شاه و درباریان ،رقم علیقلی
جبه دار(بخشی از اثر)

فصلنامه تحلیلی_ پژوهشی

حضور نقاشان اروپایی در ایرانِ عصر صفویه

زهرا شجاعی * احمد نادعلیان**

چکیده

به دنبال گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای غربی با ایران در چند سده گذشته نقاشان بسیاری به کشور ایران سفر کردند و مضامین مرتبط با فرهنگ، معماری، آداب و رسوم و طبیعت ایران را نقاشی کردند. سابقه پر رنگ حضور سیاحان و نقاشان همراه ، با توجه به زمینه مساعد آن به دوره صفویه باز می گردد. هدف آنان از سفر، رویکرد، شیوه کار، اهداف و حرفه ای یا حرفه ای نبودن آنان بسیار متفاوت است. اکثر این هنرمندان مشاهدات خود را برای اروپاییان نقاشی کرده اند وگرچه اغلب تصاویر باقی مانده از این دوره به صورت سیاه و سفید و مصوّرسازی گزارشات و توصیفات بوده و نوعی گزارش تصویری است،دربین آن ها آثاری با ارزش هنری نیز دیده می شود و حتی در این دوره بسیاری از نقاشان جذب دربار می شوند و سفارش دربار ایران را برای ابنیه یا حاکمان در ایران باقی می گذارند.این پژوهش که به صورت تاریخی تحقیق شده و قسمت هایی که مکمل بخش تاریخی است به شیوه توصیفی- تحلیلی انجام یافته است،که بیانگر چگونگی حضور نقاشان اروپایی در ایران در دوره صفویه می باشد . ضمن شناسایی مختصر نقاشان مورد نظر، تمرکز اصلی بر روی آثار ارائه شده قرار گرفته است. نهایتا با استناد به برخی آثار و گاه مقایسه آن ها با یکدیگر، به کمیت و کیفیت نقاشان وآثار شان اشاره شده است.

واژگان کلیدی

ایران ، صفویه ، نقاشی، اروپا،نقاشان شرق گرا.

* کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه شاهد
** استادیار دانشکده هنر دانشگاه شاهد

Email:zahrbanoo@yahoo.com
Email:nadalian@yahoo.com

مقدمه

از دیرباز بسیاری از سیاحان و هنرمندان غربی به کشورهای شرقی سفر کرده و مشاهدات خود را به صورت سفرنامه ونقاشی ثبت کرده اند. هنرمندان این شیوه ضمن حفظ اسلوب غربی مضامین شرقی وفضای زندگی و طبیعت شرق را نقاشی کردند.

ایران هم که از این قاعده مستثنی نبوده از زمان تشکیل اولین حکومت مدون، جهانگردان را به سمت خود جلب کرده است.ولی در دوره صفویه این اتفاق که قبلا پراکنده بوده، مکررا رخ می دهد و کم کم تبدیل به یک جریان می شود. در عصر صفوی گروههای مختلفی از اروپاییان شامل سفرا، ماجراجویان،راهبان، بازرگانان و مسافرانی را در پیش روی خود داریم که در مرحله اول اصفهان را برای اقامت بر می گزیدند و گاهی سفری هم به دیگر شهرهای ایران داشتند. تعداد کمی از آنان می توانستند بخوانند یا بنویسند، عده ای دیگر به نوشتن کتاب و یا نوشتن خاطرات خود از سفر می پرداختند و در این میان عده ی معدودی هم بودند که در ایران به نقاشی کردن مشغول بودند . حال این نقاشان که بوده و از چه کشورهایی آمده بودند و چه نیت و اهدافی داشتند و به چه موضوعاتی می پرداختند؟ اصولا سبک و شیوه کار آن ها چگونه بوده است؟ این پرسش ها ازمطالبی است که در این مقاله به آن می پردازیم، ولی بیش از هر چیز بهتر است مروری بر ایران صفوی و چگونگی حضور سیاحان در این دوره داشته باشیم .

دوران صفویه عصر طلایی سیاحت گری در ایران

علی رغم آشفتگی های اوایل دوران صفوی که به تجارت لطمه بسیار زد گاهی مسافرانی با مقاصد تجاری و سیاسی از کشورهای اروپایی به ایران مسافرت می کردند وبه مرور با برقراری ثبات سیاسی، سیاحتگری در ایران رو به بهبود می رود.

به طور کلی تا قبل از سال ۱۶۰۰ م. شمار اروپائیانی که از ایران، دیدار کرده بودند بسیار اندک بود، اما با آغاز قرن هفدهم میلادی روند دیدار آنان از ایران تغییر یافت(استیونز، ۱۳۸۱، ۳۸).

مهم ترین عواملی که سبب افزایش دیدار اروپاییان از ایران گردید عبارت بودند از :

۱- تجارت سودمند شرق و آغاز فعالیت کمپانی

تصویر۱- شاه و درباریان ، علیقلی جبه دار

انگلیسی هند شرقی در سال ۱۶۰۰ م. که پس ازمجاهدت های بسیار ادواردکوناک (connock) یک شعبه ازکمپانی در اصفهان تاسیس و بدین وسیله تسلط انگلستان را درخلیج فارس تثبیت نمود(همایون، ۱۳۸۳، ۶۰).

همین طورتاسیس کمپانی هلندی هند شرقی در سال ۱۶۰۲ م. که بنابر اساسنامه اش انحصار تمامی تجارت هلند را با سرزمین هایی که از طرف شرق بین دماغه ی امید نیک تا تنگه ماژلان واقع بودند، در اختیار داشت . در سال ۱۶۲۳ م. هویبرت ویس نیخ (Hyber tvisnich) یک دفتر بازرگانی برای کمپانی، در بندر گمبرون تاسیس کرد(ثواقب، ۱۳۸۱، ۲۴۰).

۲- وحدت نظر ایران و اروپا در دشمنی با ترکان عثمانی، که بسیاری از مسیحیان متعصّب را به سمت ایران روانه گرداند تا به خیال خود با حضور در جنگ علیه عثمانی ها، عقده های چندین ساله ی خود را خالی کنند.

۳- وحدت نظر مذکور باعث شد تا شاه عباس رفتاری محبت آمیز و دلگرم کننده با مسیحیان داشته باشد . به عنوان مثال امتیازات فراوانی که شاه عباس به ارامنه جلفا داده بود ؛ مثل حق آزادی در عبادت کیش خویش، رهایی از بندگی و بردگی، انتصاب یک کلانتر از هم نژادهای خود ایشان و وام بدون بهره به آنان که محله آن ها را تبدیل به قصبه ای مرفه و پر جمعیت می گرداند، و علاوه بر مسکن کلنی مسیحی، اقامتگاه اروپائیانی است که به پایتخت سفر می کنند(کرزن، ۶۴ و ۶۳).

۴- آزاد شدن بنادر خلیج فارس از سلطه پرتغالی ها که« در سال ۱۶۱۴ م لشکریان ایران به فرماندهی داوود خان برادر امامقلی خان حکمران نامی فارس،

تصویر۳- درونمای اصفهان ، دلاند

بندر گمبرون را از اشغالگران پس گرفتند و در سال ۱۶۲۲م نیروی متفق انگلیسی و ایرانی بعد از تصرف قلعه پرتغالی ها در قشم با هم به تصرف هرمز پرداختند »(همان ، ۵۰۳).

۵- ارسال گزارش هایی به اروپا درباره شگفتی های ایران، به ویژه پایتخت جدید و با شکوه آن، که گوش به گوش و یا از طریق انتشار سفرنامه ها ، در اروپا رواج یافته بود .

۶- بهبود وضعیت مادی اروپاییان و تمایل روز افزون آنان به مسافرت که خود دلایل متعددی را در بر دارد از جمله تغییرات اوضاع سیاسی، اجتماعی که منجر به تغییرات فرهنگی می شود. کاهش جنگ های خانمانسوز در داخل اروپا و تمایل وافر اروپاییان به اشغال کشورهای ضعیف تر به عنوان مستعمره .

۷- پیشرفت تاسیسات اقامتی در عصر صفویه ، که در جلب رضایت مسافران بسیار موثر بوده است. به موازات مرمت راه های قدیمی و ایجاد راه های جدید، شاه عباس به آسایش و رفاه مسافران نیز توجه خاص داشت. به فرمان او کاروانسراهای مخروبه درسراسر کشور تعمیر گردید و کاروانسراهای جدیدی نیز ساخته شد و برای تامین آب آشامیدنی مسافران ، بویژه در نواحی کویری و نقاط کم آب ، آب انبارهای بزرگ همراه با بادگیر بنا شد به شیوه ای که در گرمای سوزان تابستان در کلیه منازل راه های کشور آب خنک و گوارا در دسترس مسافران قرار داشت(نور بخش، ۱۳۷۱، ۳۰۱).

جایگاه نقاشی و نقاشان اروپایی در ایران در دوره صفویه

توجه به نقاشی اروپایی از همان سال های اول حکومت صفوی معمول بوده و این مساله از تصاویری که اروپایی ها از شاه اسماعیل و شاه طهماسب کشیده اند و اکنون در موزه ای در شهر فلورانس نگهداری می شود معلوم است .

ورود تابلوهای نقاشی غربی به ایران که به عنوان هدیه به سلاطین و حکام ایرانی از طرف اروپاییان تقدیم می شد، بر رواج این هنر می افزود.

شاه عباس مخصوصا به دیدن صورت سلاطین و شاهزادگان خانواده های سلطنتی اروپا علاقه خاصی داشت و از این رو سفرای خارجی تابلوهای متعدد به عنوان هدیه برای او می آوردند . بعلاوه در زمان این پادشاه به علت زیاد شدن ارتباط ایران با اروپا از وجود هنرمندان و نقاشان اروپایی از جمله فرانسوی، ایتالیایی و هلندی در ایران برای نقاشی دیوارهای کاخ چهلستون (تصویر۱) وکلیسای وانک جلفا استفاده می شد .

سیاحان از هر کشور و یا صنف و مذهبی که بوده اند از نظر اشتغال به نقاشی در سه گروه عمده جای می گیرند :

الف: نقاشان مستقلی که به ایران آمده بودند و به نقاشی های درباری یا سفارشی می پرداختند ؛ بیشتر هلندی بوده و به سلیقه دربار نقاشی می کردند. این نقاشان بیشتر به نقاشی های دیواری با ابعاد بزرگ می پرداختند تا به تصاویر کتب و یا تابلو های کوچک ،البته گاهی اوقات نقاشی ها آن چنان با سلیقه ایرانی هماهنگ شده که تشخیص اینکه نقاش ایرانی است یا نه دشوار است، در برخی موارد نیز نقاش با زیرکی موضوع سفارشی را با ، شیوه و عناصر شخصی خود کار کرده و چه بسا ، اثر اجرا شده به دیده سفارش دهنده ایرانی هم اثری خلاقانه و جالب توجه آمده است. با آن که بر اساس نوشته های سیاحان و کثرت سفرنامه ها در این دوره اطلاعات زیادی درباره اصفهان آن زمان در دست داریم، ولی مدارک و اطلاعات در مورد این نقاشان بسیار اندک و ناقص است. یکی از منابع معتبر در این زمینه سفرنامه خود نقاش می تواند باشد که اکثر این نقاشان چون نوشته ای از خود به جای نگذاشته اند در حیطه فراموشی سپرده شده اند .

در میان نقاشان اروپایی تعداد نقاشان هلندی چشمگیرتر است و همچنین از شهرت بالاتری هم برخوردارند که یکی از دلایل آن افتتاح شعبه ای از « کمپانی هند شرقی هلندی « در ایران می باشد به این ترتیب شمار ماجراجویان هلندی در ایران افزایش می یابد که از آن جمله اند ، فلیپ آنجل (Philip Angel) و جان لوکاست وان هاسلت (Jan Lucasz Van Hasselt) و این دومی به

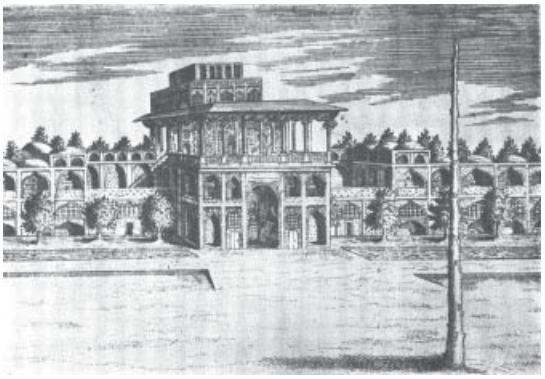

تصویر۳- عالی قاپو، سانسون

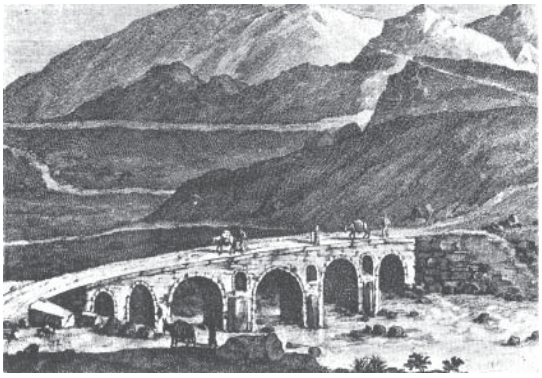

تصویر٤ - پل سفید رود ، لوبروین

عنوان نماینده کمپانی، در سال ۱۶۲۳ م. روانه اصفهان می شود و نزد پادشاه ایران، محبوبیت خاصی کسب می کند. نقاش دیگری به نام جوست لامپ (Joset Lamp) در زمان شاه صفی به ایران آمده و تابلوهای بسیار عالی برای خانواده های اعیان و اشراف در ایران نقاشی کرده است . کار علاقه به نقاشی اروپایی در دربار صفوی به جایی رسید که شاه صفی در سال ۱۰۴۵هـ ق . مقداری قلم مو و رنگ روغن که گفته اند برای هزار نفر نقاش کافی بود به هلند سفارش داد.

شاه عباس دوم نیز به این موضوع علاقه و به فرا گرفتن نقاشی شوق بسیار داشت و نماینده شرکت هلندی در اصفهان چون شوق شاه را دریافت ، دو تن نقاش هلندی را به خدمت وی گماشت تا نقاشی اروپایی را به او بیاموزند، این دو یکی همان آنجل بود و دیگری لوکار(Lucar) نام داشت(محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸ ،۲۳۳).

نقاشان اروپایی در تزیین ساختمان های مهم اصفهان شرکت داشتند و گویا دیوارها و طاق نماهای کاخ چهلستون و سردر بازار قیصریه آن شهر توسط نقاشان هلندی و شاگردان ایرانی آن ها نقاشی و تزیین شده است. در این نقاشی های دیواری که نقاش آن ها به وضوح روشن نیست . شیوه ای التقاطی موسوم به فرنگی سازی حاکم است به این نحو که تلفیقی از نقاشی و نگارگری ایرانی و نقاشی اروپایی است. و به طور سطحی از شگردهای برجسته نمایی و ژرف نمایی و گاه حتی از موضوع ها و نقشما یه های اروپایی تقلید می شود(همان، ۲۳۴).

در این میان نقاشی استثنایی را نباید از یاد برد او فردی است بنام علیقلی جبه دار (علیقلی بیگ فرنگی) متولد کشور آلبانی که به احتمال زیاد در زمان شاه عباس دوم به ایران آمده و به اسلام گرویده است و به اسلحه داری مشغول شده است. بعدا با مهارتی که از خود نشان می دهد به دربار راه می یابد . وی از جمله نخستین کسانی بود که فرنگی سازی را در ایران متداول کرد . البته گاهی اوقات هم سعی می کرد که کاملا به شیوه ایرانی نقاشی بکشد(پاکباز ،۱۳۸۱،۳۵۹) (تصویر۱).

ب: نقاشانی که هدف اصلی شان جهانگردی و تحقیق بوده و نقاشی در خدمت متن و تحقیقات شان قرار می گرفته و در حقیقت نقاشی برای آن ها وسیله و ابزاری مفید برای انتقال اطلاعات به حساب می آمده است.

اگر بخواهیم ترتیب زمانی را حفظ کرده باشیم کسانی چون سرتوماس هربرت (Thomas Herbert)انگلیسی که در سال های ۱٦۲۷- ۱٦۲۹م به ایران سفر کرده و شهرهای زیادی را دیده است و آدام اولئاریوس (Adam Olearius) آلمانی که در سال ۱۶۳۷م به ایران سفر می کند وهر دو منشی هیات های نمایندگی کشورهای خود در ایران بودند، در این زمینه پیشگام هستند.

در ادامه کسانی چون، ژان دو ته ونو (Jeau de thevenot) مستشرق فرانسوی که دوبار در سال های ۱۶۶۳ م.و۱۶۳۷ م. در ادامه سفرهای خود به شرق به ایران سفر می کند ،آندره دولیه دلاند(André doulier des landes) فرانسوی که همراه عموی خود تاورنیه[۱] (Tavernier) سیاح و جغرافی دان معروف بلژیکی الاصل، در سال ۱٦٦٤م. به ایران می آید؛ سانسون (Pére S.N. Sanson) راهب کاتولیک مذهب فرانسوی که در پی یک ماموریت مذهبی در سال ۱٦۸۳م. به ایران فرستاده می شود؛ انگلبرت کمپفر (Engelbert- Kämpfer) آلمانی که در معیت یک هیات اعزامی

۱- وی در قرن ۱۷م چندین سفر به ایران داشته و سفرنامه ای جامع را در مورد ایران از خود به جا گذاشته است..

تصویر۵- چهره شاه عباس برگرفته ازسفرنامه شاردن

تصویر٦-سرهای ترکان عثمانی، سفرنامه دلاواله

از استکهلم در ۱۶۸۳م. راهی ایران می شود و در نهایت کرنلیوس لو بروین (Cornelius le bruyn) هلندی که خود به تنهایی و فقط برای تحقیق در سال ۱۷۰۳ م. به ایران می آید ؛ همگی از مصداق های این گروه سیاح- نقاشان هستند.

ج : نقاشانی که در استخدام جهانگردانی بودند که از هنر نقاشی بی بهره بوده و به تصویر کردن تصاویری که سیاح مورد نظر تمایل داشته می پرداختند. در میان این گروه نیز نقاشان قوی و ضعیف وجود داشته است. به طور مثال جوزف گرلو (Josef Grelot)که مدتی در خدمت شاردن[1] (Shardin) سیاح معروف فرانسوی کار می کرد نقاش قابلی بوده و تصاویر بسیار خوبی را کشیده است در حالی که اسکوتین جوان (J.B scotin)که در خدمت تاورنیه کار می کرد، نقاش ضعیفی بوده و به جای نو آوری و خلاقیت اکثر تصاویر را از روی آثار گرلو کپی کرده است؛ آن هم کپی هایی ضعیف و نادرست. پیترودلاواله(Della valle) سیاح معروف ایتالیایی که در سال ۱۶۱۷ م. به ایران سفر می کند نقاشی را در معیت خود داشته است ولی در مورد هویت نقاش اطلاعاتی در دست نیست. نقاشان گروه اول و سوم در این که هر دو به سفارش و سلیقه مرجعی بالاتر از خود نقاشی می کردند و در عوض مقداری پول دریافت می کردند ، با هم اشتراکاتی دارند ؛ ولی در گروه اول علاوه بر تحمیل موضوع ، روش اجرای نقاشی هم می بایستی به سلیقه دربار ایران صورت می گرفته است با این همه نقاشانی هم بودند که با تلفیق عناصر و شیوه نقاشی ایرانی و اروپایی به دست آوردهای تازه ای رسیده بودند. در گروه سوم موضوع تا حدی تحمیلی بوده ولی روش اجرا با سلیقه سفارش دهنده معمولا هماهنگ بوده چون هر دو اروپایی بوده اند. در این میان نقاشی های گروه دوم از اصالت و ارزش بیشتری برخوردار است زیرا حاوی ویژگی ها و صلایق فردی است . چون نقاش برای خود کار می کرده و از سبک شخصی خود آزادانه استفاده می کرده است.

خصوصیات تصاویر به جای مانده از نقاشان اروپایی در ایران

به طور کلی می توانیم ویژگی های نقاشی ها را در چند بخش موضوع، طراحی، رنگ و ترکیب بندی بررسی کنیم.

موضوع : موضوع در این گونه نقاشی ها در درجه اول اهمیت قرار دارد ، چرا که نقاشی ها حالت خبری دارد و در بسیاری موارد، دیگر عوامل تشکیل دهنده تصویر را تحت تاثیر قرار می دهد. به طور کلی موضوع تصاویر از چند حالت خارج نیست:

۱- وی در قرن ۱۷م چندین سفر به ایران داشته ودر شناساندن عصر صفوی به غربیان بسیار موثر بوده است. سفرنامه وی از همه جهت کامل بوده و او را یک سر و گردن از همه وقایع نگاران قرن هفده ایرانی بالاتر برده است.

تصویر۷ – نمایش لباس ایرانیان ، ژوزف گرلو

الف: قسمت اعظمی از تصاویر مناظر را در بر می گیرد. این منظره ها می توانست دور نمای یک شهر باشد (تصویر۲) یا منظره بنایی مطرح و یا مهم باشد (تصویر۳) و یا مناظری صرفا از طبیعت ایران باشد (تصویر۴) که این مورد آخر خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است.

ب : چهره ها که بیشتر شامل چهره شاهان و شاهزاده ها و همین طور سفرای اروپایی در دربار ایران می باشد. چون در ایران و در بین نقاشان ایرانی بندرت چهره یا تصویر شخصی کشیده می شد و اگر هم بر فرض تصویر شاهی در تصویر سازی کتابی می آمده هیچگاه وی را با خصوصیات فردی خود تصویر نمی کردند و چهره وی مثل دیگر چهره ها در نگارگری اجرا می شده و فقط لباس او فرق داشته و یا تاجی بر سر وی می کشیدند، از این جهت چهره های مورد نظر، اهمیت تاریخی و ضمنا هنری خاصی را دارا می باشند (تصویر۵).

ج: تصاویری که غرایب شرق را نشان می دهد که می تواند شامل آداب و رسوم مردم مثل: مراسم عروسی ، کفن و دفن و یا مجازات مجرمان باشد. به طور مثال تصویر سرهای ترکان عثمانی اثر نقاش دلاواله (تصویر۶) و همین طور نشان دادن فرهنگ پوشش و لباس ایرانیان که تقریبا اکثر نقاشان به این موضوع پرداخته اند(تصویر۷). تصاویری راجع به غذا خوردن و استعمال دخانیات در ایران نیز وجود دارد و حتی بخشی از عادات عجیب مثل کله منارها که برای ایرانیان امروز نیز جالب توجه می نماید به تناوب ترسیم شده است. (تصویر۸)

طراحی : طراحی کردن اولین قدم برای ارائه یک تصویر خوب بوده که اکثر سیاحان نام برده سعی بر آموختن این هنر داشته اند. آن هایی هم

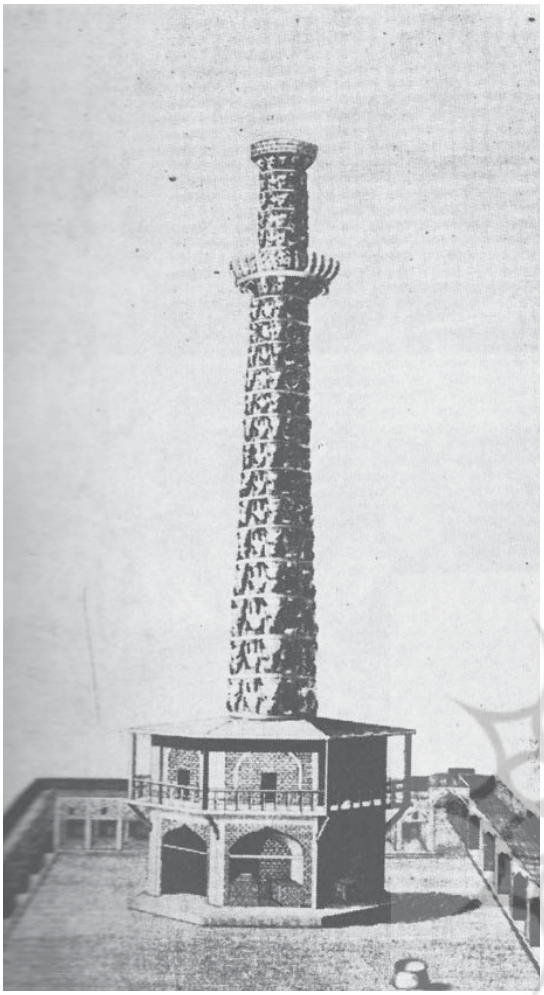

تصویر۸ –کله منار،سفرنامه شاردن

که مانند شاردن ، تاورنیه و یا دلاواله خودشان نمی توانستند طراحی کنند و نقاش همراه داشتند باز هم آشنایی کلی به هنر نقاشی داشته اند و این موضوع در تهیه تصاویر مناسب به آن ها بسیار کمک کرده است . به طور مثال شاردن خود گاهی اوقات به نقد و بررسی نقاشی ها می پردازد و از دیدگاه هنری آن ها را بررسی می کند و یا تاورنیه خود نقشه کشی می کرد.

در برخی تصاویر طراحی بسیار قوی می بینیم مثل آثار لوبروین و یا به طور نسبی در تصاویر هربرت و در بسیاری از تصاویر طراحی ضعیفی را شاهد هستیم. به طور مثال طراحی تصاویر دلاواله ضعیف می باشد خصوصا طراحی پیکره های تصویر که کاملا غیر طبیعی طراحی شده اند و سرهای انسان ها به نسبت بدن بسیار بزرگ می باشد و دست ها از حالت عادی کوتاه ترند (تصویر۶) دولیه دلاند ، بروین و کمپفر در طراحی

تصویر۹ –شاه عباس کبیر، توماس هربرت

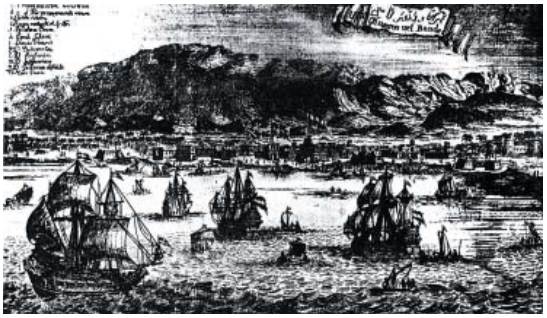

تصویر۱۰– بندر عباس ، کمپفر

تصویر۱۲– سبزیجات ایرانی، لوبروین

مناظر طبیعی و یا دورنمای شهرها قدرت بیشتر از خود نشان داده اند . ژوزف گرلو نیز در طراحی پیکره ها قوی تر جلوه کرده است (تصویر۹) .

– **رنگ** : تمام تصاویر موجود در سفرنامه ها به صورت سیاه و سفید به دست ما رسیده است زیرا که در آن زمان شیوه چاپ رنگی وجود نداشته است. چه بسا بسیاری از این تصاویر رنگ آمیزی شده اند، ولی بعد از تهیه گراوورساز تمام تصاویر به صورت سیاه و سفید چاپ می شدند.

بعضی از سیاحان در محل، طرح مورد نظر راتمام نمی کردند بلکه فقط چند خطی می کشیدندکه شکل به طور مبهم روی کاغذ می آمد. و چون می دانستند که نتیجه کار سیاه و سفید خواهد شد، رنگ آمیزی هم نمی کردند تازه این طرح های نیمه تصوری در اروپا به دست گراوور ساز می افتاد و او نیز کمی از تخیلات خود را بر آن می افزود و در نتیجه تصویری به وجود می آمد که کمتر با واقعِ مطابقت داشت و تغییرات بسیاری یافته بود. مثلاً اولئاریوس همان طور که خود می گوید به این شیوه کار می کرده است.

در بین تصاویر این دوره فقط نقاشی های درباری که به صورت نقاشی دیواری و یا تابلوهای تزیئنی بوده اند رنگی هستند . چون کاربری آن ها متفاوت بوده و نیاز به تکثیر نداشتند و از هر تابلو یا کتیبه یک نسخه اجرا می شده و رنگ آمیزی آن کامل و به دقت انجام می شده است . در رنگ آمیزی این گونه تابلوها ، شیوه ایرانی غالب است ؛ ولی تاثیرات رنگ آمیزی به شیوه اروپایی مثل گذاشتن سایه روشن و یا تیره کردن خطوط کناره نما در آن ها مشهود است.

ترکیب بندی

در بسیاری موارد ترکیب بندی ، موردی نبوده که خیلی به آن توجه شود . گاهی در آثار اولئاریوس می بینیم که ، حقیقت تصویر فدای دید پانوراما و نقشه پسند وی شده است.

و اکثر موضوعات با دید وسیع و از بالا دیده شده است هم زمان با این که به جزئیات فراوانی هم پرداخته شده است . در آثار کمپفر هم به این حالت برخورد می کنیم . چون وی قصد داشته همه چیز را در یک تصویر نشان دهد موضوع مورد نظر را از دور دیده است .

ولی در آثار کمپفر ترکیب بندی محکم و قوی

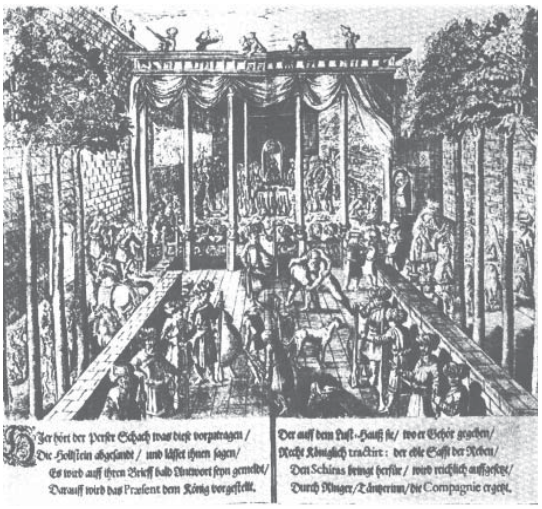

تصویر۱۱- شرفیابی هیئت نمایندگی آلمان در دربار شاه صفی ، اولئاریوس

هم ، می بینیم مثل تصویر ساحل بندر عباس(تصویر۱۰). البته این اتفاق تقریبا برای اکثر نقاشان رخ می داده است . چون در بسیاری موارد به علت محدودیت های چاپی آن ها مجبور بودند که تصاویر کمتری را در کتاب خود بیاورند ؛ طراحان بیشتر سعی را بر نشان دادن یک کلیت در تصویر می گذاشتند تا پرداختن به جزئی از یک موضوع. به طور مثال اولئاریوس در تصویر شرفیابی هیت نمایندگی آلمان به دربار شاه صفی انبوهی از اطلاعات را توسط تصویر ارائه داده است(تصویر۱۱). البته تصاویری جزئی نگرتر را مثل تصویر سبزیجات مختلف ایرانی(تصویر۱۲) اثر لوبروین را در بین آثار داریم ولی باز هم توجه به جزئی از تصویر را نمی بینیم بلکه انبوهی از انواع سبزیجات را در پیش روی خود داریم.

در این میان بهترین ترکیب بندی را در تصاویر توماس هربرت می یابیم. درتصویری که وی از شاه عباس ارائه داده است(تصویر۱۳)ترکیب بندی مناسبی برقرار است که باعث ایجاد حرکت در صفحه شده است. در تصویر زن ایرانی وی نیز خانمی خوش اندام و کشیده در یک چادر بلند خود را پوشانده است(تصویر۱٤)،« این چادر به اندازه ای بلند است که این خانم آن را دور دست راست خود پیچیده به طوریکه یک خط موازی با پیکر او درست نموده است. و این یک توازن و تناسبی به وجود آورده که خدمتی برای ترکیب بندی تصویر محسوب می گردد و اصولا نقش اصلی را در این تصویر چادر به عهده دارد»(همایون ،۱۳۸۳، ۱۲٦).

تصویر ۱۳-شاه عباس کبیر، توماس هربرت

ترکیب بندی در تصاویر نقاشان درباری، تلفیقی از نقاشی ایرانی و اروپایی است.مثلا مناظر ویا ساختمان در نقاشی دارای عمق می باشد که از تاثیرات نقاشی اروپایی می باشد ولی در مورد اشخاص بزرگنمایی یا (پرسپکتیو مقامی) حاکم است به گونه ای که تصویر شاه از همه بزرگتر است که دراین مورد تاثیرات نگارگری ایرانی را

تصویر ۱٤-یک زن ایرانی ، توماس هربرت

تصویر ۱۵-زن ارمنی ، لوبروین

تصویر ۱۶-مرد ایرانی ، لوبروین

می بینیم.

در نهایت اگر بخواهیم از میان این نقاشان برترین آن ها را انتخاب کنیم، باید گفت که کرنلیوس لوبروین به تحقیق قویترین و جذاب ترین آثار را ارائه داده اند، در ضمن این که در تعداد آثار نیز رکورد دار می باشد و در مقایسه با نقاشان شرق گرا که در اوایل قرن ۱۹م. به کشورهای شرقی از جمله ایران آمدند،شباهت بسیاری به آن ها دارد.

بروین همانند نقاشان شرق گرا، شرق را مکانی برای صرفاً نقاشی و سپس تحقیق ، جذاب دریافته بود و نقاشی های وی در ابعادی بزرگ و پر از جزئیات لباس ها(تصویر ۱۵) ، تزئینات شرقی و همین طور چیدمانی تخیلی از منظره ای در پشت سر پیکر بوده است(تصویر ۱۶) .می توان ادعا کرد که لو بروین جد بزرگ نقاشان شرق گرا در ایران بوده ، او از نظر شیوه ودیدگاه یک نقاش شرق گرای زودرس بود. که یک قرن زودتربه منصه ظهور میرسد.ژوزف گرلو بهترین تصاویر را از نظر صحت و درستی موضوع و همچنین ظرافت، تمیزی و وضوح اجرا، ارائه داده است وهمچنین توماس هربرت بهترین تصاویر را از نظر ترکیب بندی ارائه داده است. کمپفر از نظر نوآوری و تخیل در بین دیگر نقاشان سرآمد است . وی تصاویری کشیده که می توان آن ها را علمی- تخیلی نامید و در بعضی تصاویر نیز به جزئیاتی پرداخته است که کمتر مورد توجه بوده است (تصویر ۱۷).

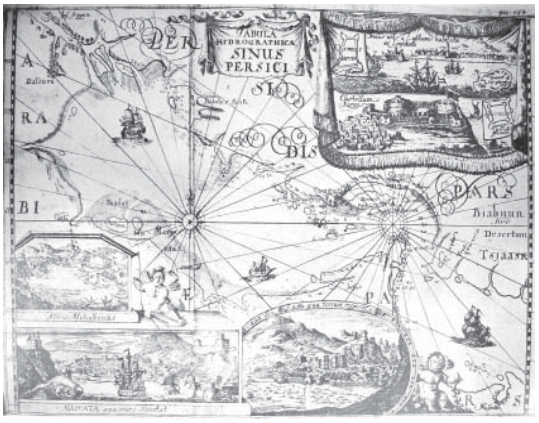

تصویر۱۷-نقشه خلیج فارس ، کمپفر

نتیجه

با توجه به اسناد ، شواهد و استدلال هایی که در این پژوهش صورت گرفت می توان نتیجه گرفت هنرمندانی که در دوره صفویه به ایران سفر کردند و یا اینکه در خدمت یک سیاح بودند،آثارشان رویکردهای متفاوتی را نشان می دهد.آن ها به دلیل کاربرد، نوع سیاق و شیوه کار و توانایی، در گروه های متفاوتی قابل دسته بندی هستند. همان طورکه در این مقاله اشاره شد؛ سه گروه نقاش به ایران آمدند : اول نقاشان مستقلی که حرفه اصلی شان نقاشی بوده و برای دربار نقاشی های سفارشی کار می کردند که متاسفانه اطلاعات ناچیزی ازآن ها موجود است. دوم نقاشانی که در استخدام یک سیاح به ایران آمده بودند که آن ها هم تقریباً ناشناس هستند ولی تصاویرشان کاملاً شناخته شده است. سوم سیاحانی که خود نقاش بودند و سفرنامه خود را مصور می نمودند. تمام این نقاشان به نوعی با سیاست در ارتباط بودند، چرا که هزینه سفر و اقامت بالا بوده و نقاشان از عهده پرداخت آن عاجز بودند و همین طور در آن دوره هنوز نقاشی مستقل به معنای امروزی در ایران رواج نداشته و نقاش با توجه به فضای جامعه آن روز می بایست با همکاری قدرتی برتر به کار خود بپردازد؛ بنابراین نقاشان یا می بایست در خدمت دربار کار می کردند و یا تحت یک عنوان سیاسی معتبر از سوی دولتی خارجی در ایران به کار مشغول می شدند. همه این شرایط نقاش را ملزم به رعایت یکسری اصول می کرد. به طور مثال پرداختن به موضوعات مورد علاقه دربار و دول حاکم خارجی و یا از نظر سبک و شیوه کار ، وفاداری به واقعگرایی، چرا که این نقاشی ها در درجه اول اسناد و گزارش هایی خبری بودند؛ حتی نقاشی های دیواری نیز کاربردی تبلیغاتی- خبری داشته اند ویا سیاحانی که برای مصورسازی سفرنامه خود به نقاشی روی آورده بودند نیز کاربردی عکس گونه را از نقاشی توقع داشتند. در نهایت از این مطلب نباید گذشت که با وجود ضعف هایی که برای این آثار برشمردیم تا چه حد این نقاشی های به جای مانده از دوران طلایی صفوی ارزشمندند؛ چرا که بنابر یک ضرب المثل قدیمی: یک تصویر گویاتر از هزار واژه است.

منابع و مآخذ

پاکباز روئین، دایره المعارف هنر، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱.
ثواقب جهان بخش، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و ماخذ، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۸۰.
کرزن جرج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، جلد اول، ترجمه وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم ، ۱۳۸۰.
محبوبی اردکانی حسین، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸
نور بخش مسعود، با کاروان تاریخ: مروری بر تاریخچه سیر و سیاحت در ایران، چاپ دوم، نشر ایرانشهر، تهران، ۱۳۷۰.
همایون غلامعلی، اسناد مصور اروپاییان از ایران (از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن ۱۸)، چاپ دوم، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

استیونز سرراجر، دیدار کنندگان اروپایی از ایران عصر صفوی، ترجمه: منصور چهرازی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، بهمن و اسفند ۱۳۸۱.

منابع تصویر

اولئاریوس آدام، سفرنامه آدام اولئاریوس : اصفهان خونین شاه صفی، جلد دوم، ترجمه حسین کرد بچه، هیرمند، تهران،۱۳۷۹ .
تاورنیه ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه مشیر ارباب شهرستانی، نیلوفر، تهران، دلاند دولیه، زیباییهای ایران (les beautes de la perse)، ترجمه محسن صبا، تهران، ۱۳۸۲.
شاردن ژان، سفرنامه شاردن: قسمت اصفهان، ترجمه حسین عریضی، نگاه، تهران، ۱۳٦۲.
همایون غلامعلی، اسناد مصور اروپاییان از ایران (از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن ۱۸)، جلد اول، دانشگاه تهران، چاپ دوم ،۱۳۸۳
همایون غلامعلی، اسناد مصور اروپاییان از ایران(از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن ۱۸)، جلد دوم، دانشگاه تهران ،چاپ دوم، ۱۳۸۳.

Le Bruyn Corneilius, Voyages de Corneille le Brun Par la Moscoviene Perse, et .aux lndes oriental II Vol , Chez les Freres westein, 1718.
Lemgo Karl-meier, engelbert kaempfer, Weisbaden , 1968 .
Lemgo Karl-meier, Engelbert keampfer Der Erstedeutsche Foschung Sreisende .
Herbert Thomas, Travels in Persia (1622-1627), george Routledges and Sons, Landon, 1928.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی